

بررسی تطبیقی مضامین و درونمایه‌های کتب مقدس در آثار اقتباسی انیمیشن سینمایی، نمونه مطالعاتی: انیمیشن عزیز مصر و فیلساه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۶

محمدعلی صفورا^۱
مهدیه خسرویانی^۲

چکیده

امروزه حجم بسیار زیادی از تولیدات سینمایی از طریق اقتباس از انواع منابع و متون نوشتاری، ادبی تولید می‌شوند. اغلب آثار اقتباسی معمولاً از متون تاریخی، رمان‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌های کوتاه، متون مذهبی و غیره تشکیل می‌شوند. به بیان دیگر اقتباس همواره راهی برای تولید انواع محتوا که در متون گذشته تولید شده، در رسانه‌ای تازه به شمار می‌رود. اهمیت و جذابیت برخی از متون گذشته، بویژه متون مذهبی به حدی است که در عرصه سینما گاه شاهد اقتباس‌های متعدد از یک اثر بوده‌ایم. این پژوهش علاوه بر مطالعه جنبه‌های اقتباس، با مطالعه نمونه‌های انیمیشن‌های اقتباسی ایرانی و خارجی، که منبع اقتباسی آنها از کتب مقدس بوده، به بررسی مضامین و درونمایه‌های موجود در متون مذهبی و چگونگی اقتباس از این درونمایه‌ها در انیمیشن‌های سینمایی با روش توصیفی، تحلیلی می‌پردازد. لیندا هاجن اعتقاد دارد که لازم است اثر اقتباسی را ابتدا به عنوان یک محصول مستقل مورد مطالعه قرار داد و سپس به جنبه‌ها و ابعاد اقتباس در آن پرداخت؛ لذا نظرگاه او به عنوان رویکرد نظری در این پژوهش مد نظر قرار می‌گیرد. انیمیشن سینمایی عزیز مصر و فیلساه دو نمونه‌ی مطالعاتی این پژوهش هستند که به صورت هدفمند و براساس نزدیکی به موضوع انتخاب شده‌اند. روش‌های استنتاجی در این پژوهش، برای فهم چگونگی اقتباس از مضامین و درونمایه‌های موجود در متون مقدس از طریق متغیرهایی مانند: دیالوگ، عناصر میزانشن (نور، رنگ، طراحی صحنه و غیره) و شرح مستقیم روایت یا راوی، در تحلیل آثار محقق خواهد گردید. براساس نظر هاجن که اقتباس را از سویی به عنوان فرآورده، و اثری مستقل، و از سویی اثری که بخشی از هویت خود را به عنوان یک فرآورده‌ی اقتباسی، وامدار اثر اصلی می‌داند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، یکی از کارکردهای مهم اقتباس در آثار انیمیشن، احیای

۱. استادیار گروه انیمیشن و سینما، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

safoora@modares.ac.ir

۲. کارشناس ارشد رشته انیمیشن، موسسه آموزش عالی مازیار، رویان، ایران.
m.khosraviyani@gmail.com
safoora@modares.ac.ir

دارد به این مسئله بپردازد که در آثار انیمیشن اقتباس شده، کدام مضامین و جنبه‌های محتوایی از اصل متون استفاده و چه جنبه‌هایی مغفول واقع گردیده است و نیز اینکه چه جنبه‌های محتوایی در اقتباس به اصل داستان‌ها افزوده شده است.

پیشینه پژوهش

۱. شمس الهی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۷). از داستان تا فیلم سینمایی انیمیشن، شیوه اقتباس هایتو میازاکی از ادبیات داستانی ژاپن. دو فصلنامه پژوهش های ادبیات تطبیقی، دوره ۶، شماره ۴.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه نظریه جیمز دادلی اندرو چگونگی اقتباس هایتو میازاکی، از ادبیات داستانی ژاپن را در یکی از فیلم‌هایش بررسی می‌کند. میازاکی با اقتباس از افسانه‌ها و داستان‌های فولکلور ژاپن فیلم‌های سینمایی انیمیشن شاخصی را کارگردانی کرده است. همچنین بیان می‌شود چگونه میازاکی از ظرفیت‌های غنی ادبیات داستانی ژاپن و رویکردهای اقتباسی در ساخت آثارش در زمینه‌های روایتی، تصویری، صوتی، و نمایشی بهره‌مند شده است. او نه تنها از متون آثار ادبی، بلکه از تصویرسازی‌های مرتبط حاصل از تخیل تصویرگران ژاپنی هم بهره‌مند شده است. رویکرد و راهکارهای میازاکی ظرفیت‌های بالای ادبیات داستانی را برای پردازش داستان، شخصیت پردازی و همچنین ایده‌پردازی برای ایجاد فیلم‌های سینمایی موفق و پر فروش انیمیشن آشکار می‌کند که می‌تواند راهنمای خلق آثار برتر ایرانی و اقتباسی باشد.

۲. خطایی، سوسن (۱۳۹۰). نقش فرهنگ و هنر ایران بر اقتباس ادبی در فیلم‌های پویانمایی ایران. مجله جلوه هنر، شماره ۶، صص ۱۴-۵.

در این مقاله با بررسی ۳۰ فیلم انیمیشن ایرانی به این نکته دست می‌یابد که اقتباس اندیشمندانه از متن و محتوای اثر ادبی، در برخی از این فیلم‌ها، نوعی تحول ایجاد کرده است. شکل‌گیری کتاب فیلم در بخش سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۶۸ نیز دلیلی بر نیاز مبرم پویانمایی ایران به انواع قصه و روایت ادبی بود. این پژوهش شیوه‌های مختلف اقتباس ادبی در پویانمایی ایران را نقد و بررسی می‌کند و مواردی را نشان می‌دهد که اقتباس مناسب و آگاهانه از فرهنگ و هنر ایران، بنیان فیلم پویانمایی با هویت ایرانی را پی‌ریزی کرده است.

دوباره مضامین و درونمایه‌های آثار کهن و فراموش شده ادبی، تاریخی و مذهبی و درونمایه‌های تربیتی و اخلاقی است که به دلایل متعدد، توانایی ایجاد ارتباط با مخاطب زمان حاضر را از دست داده‌اند. لذا کارکردهای اقتباس را می‌توان به بازنمایی مضامین تربیتی و آموزشی موجود در متون مذهبی در شکل فرآورده‌ای تازه، که مناسب مخاطب انیمیشن است، ارتقاء داد. کلیدواژه‌ها: اقتباس، کتب مقدس، انیمیشن سینمایی، انیمیشن عزیز مصر، انیمیشن فیلساه

مقدمه

هنر انیمیشن، در کنار خلاقیت هنری، توانسته با اقتباس از داستان‌ها چه در ساختار و روایت و چه در محتوا، به یکی از پرنفوذترین رسانه‌های ارتباطی دنیای امروز تبدیل شود. در این هنر می‌توان از ساختار داستان‌ها به فراوانی استفاده کرد. در واقع انیمیشن یکی از وفادارترین رسانه‌ها به درونمایه و ساختار داستان‌ها است و می‌تواند داستان و روایت را در چشم‌اندازی جدید به تماشاگران ارائه دهد. (جهازی، ۱۳۹۰: ۳۳)

بازآفرینی و اقتباس از داستان‌ها و متون ادبی و تاریخی و هماهنگ کردن آن با بیان تصویری و حرکتی انیمیشن در ارتباطی متقابل، موجبات رونق و گسترش این دو گونه ادبی را در سطحی گسترده فراهم می‌سازد. گرچه «به سبب اختلاف در ساختار متفاوت متن و تصویر، همیشه مشکلاتی در برابر اقتباس از آثار ادبی و تاریخی و چگونگی تبدیل زبان این دو به یکدیگر وجود دارد؛ چرا که ابزار بیان و نوع ارتباطی که این دو مقوله با مخاطبان خود ایجاد می‌کنند، متفاوت است و در تبدیل شدن به یکدیگر با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند» (پورشانان و عبدی، ۱۳۹۲: ۲۹۳). با توجه به نظرات فوق، به نظر می‌رسد کارکردهای آموزشی و تربیتی مهمترین کارکرد و مؤلفه اقتباس غیرمستقیم از متون، مهمترین جنبه‌های اقتباس در آثار انیمیشن باشد؛ بخش اعظم انیمیشن‌های اقتباسی از متون دینی به ریشه‌های داستانی و درونمایه‌های تربیتی می‌پردازند.

این پژوهش با بررسی داستان‌های بیان شده در ادیان ابراهیمی با استناد به روایت‌ها و داستان‌های تورات، انجیل و قرآن، قصد دارد در جهت شناخت اینکه چه مضامین و درونمایه‌هایی از کتب مقدس در آثار اقتباسی انیمیشن بیشتر مطرح و مورد توجه بوده، گام بردارد. درواقع این پژوهش با بررسی دو انیمیشن سینمایی به عنوان نمونه مطالعاتی، قصد

۵. شهبازی، غلامرضا؛ شهباء، محمد (۱۳۹۱). تاریخ، اقتباس و تصاحب در سینما. فصلنامه‌ی هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۲۴-۱۵.

این مقاله تحقیقاتی بر نظریات اقتباس انجام داده است و به تبیین برخی از مبانی نظری جدید مربوط به تاریخ، روایت و اقتباس که در کشور ما شناخته شده نیست، می پردازد. در آغاز، کنش اقتباس، انواع اقتباس، کنش تصاحب و نسبت آن با کنش اقتباس و مساله سرقت ادبی توضیح داده می شود. سپس با بررسی جنبه‌های مختلف کنش تصاحب، استعاره‌های تازه‌ای تشریح می شوند که بیانگر این کنش‌اند. این مقاله، بر آرای جولی ساندروز در کتاب معروفش اقتباس و تصاحب استوار است و در بسیاری از موارد وام دار آن به شمار می آید. بخش دوم، با تبیین رابطه میان تاریخ و روایت، رابطه متن تاریخی و اثر اقتباسی را بررسی می کند. تحول در بنیان‌های نظریه تاریخ، تاثیر آن بر جهان اقتباس، وفاداری به تاریخ، و اصالت تاریخی روایت‌های تاریخی از بحث‌های اصلی این بخش است. مهم‌ترین موضوعاتی که در بخش سوم این مقاله مطرح شده‌اند، عبارت‌اند از: امکان وفاداری در کنش اقتباس، تاثیر پیشرفت‌های نظری جدید مانند ساختارگرایی و پسامختارگرایی، اصالت و گفتمان مربوط به آن، تاثیر رسانه‌های دیجیتال

۶. صمدی، صهباء؛ طوسی، سید مجتبی (۱۳۹۲). تاثیر تماشای انیمیشن‌های مذهبی ایرانی بر رفتار دینی نوجوانان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. شماره ۱. صص ۱۲۶-۱۰۵. این مقاله از نوع علمی- پژوهشی است که به تاثیر تربیتی انیمیشن‌های مذهبی بر نوجوانان پرداخته و از جمله منابعی است که در این زمینه می‌توان به آنها اشاره داشت. در این پژوهش ضمن توجه به نتایج، روش شناسی و چارچوب‌های نظری منابع متعدد، تلاش گردیده از منظری تازه و براساس دیدگاه‌هاچن، موضوع پژوهش بررسی گردد.

این پژوهش بر روی جامعه ای از دانش آموزان دوازده تا هجده ساله هشت مدرسه غیرانتفاعی منطقه دو آموزش و پرورش شهر تهران، به شیوه «آزمایشی» بوده و بررسی آزمون شوندگان در چهار گروه کنترل و چهار گروه آزمایش، انجام گرفته است. هدف از این پژوهش، بررسی تاثیر انیمیشن‌های مذهبی ایرانی بر تغییر رفتار دینی دانش آموزان است و با استفاده از آزمون t زوجی، t تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس، تاثیر مولفه های سن و جنس و پیشینه دینی (دین

۳. حسناپی، محمدرضا؛ کشن فلاح، سعید (۱۳۹۱). بررسی اقتباس از متون ادبی در تصویر متحرک. دو فصلنامه‌ی هنرهای پژوهشی و نمایشی. شماره ۵. صص ۵۴-۳۹.

در این مقاله فرآیند اقتباس از متون ادبی در تولید فیلمنامه تصویر متحرک بررسی می‌شود. از این رو، این مقاله در گام نخست به معرفی عوامل تأثیرگذار در امر اقتباس برای دستیابی به فیلمنامه و مطالعه چگونگی کارکرد آنها در برقراری ارتباط با مخاطب می‌پردازد. در گام بعدی کسب شناخت صحیح از منابع اقتباسی مناسب برای فیلمنامه تصویر متحرک از اهداف این پژوهش است. در روند این پژوهش چگونگی تبدیل متن ادبی به متن نمایشی با توجه به برخی عناصر مهم در ساختار داستان و فیلمنامه بررسی می‌شود. شیوه تحقیق گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی آثار تصویر متحرک و تحلیل و بررسی آنها است. نتایج پژوهش بیانگر این نکته است که در روند اقتباس از منابع ادبی برای استفاده در فیلمنامه، به همان اندازه که با منبع ادبی مورد استفاده آزادانه تر برخورد شود، اثر به دست آمده تأثیرگذارتر خواهد بود. این برخورد آزاد از آن جهت در اقتباس از آثار ادبی موفق اهمیت دارد که این آثار قبلاً در ارتباط با مخاطبان به موفقیت‌هایی دست یافته اند که ریشه در ساختار محکم داستان‌سرایی غیرتصویری آنها داشته است و حال لازم است که عوامل تصویری اضافه شده به متن ادبی، ضمن حفظ این ساختار، بیان جدیدی را به مخاطب ارائه کند.

۴. پورشبانان، علیرضا؛ عبدی عبدی، مهدی (۱۳۹۲). نگاهی به تاریخچه اقتباس سینمایی از متون کلاسیک ادبیات فارسی. دانشکده تربیت مدرس تهران. دانشکده زبان و ادبیات فارسی.

در این مقاله با نگاهی به تاریخچه اقتباس سینمایی از متون کلاسیک فارسی، به بررسی اقتباس ادبی در سینما و انگیزه‌ی اقتباس از جنبه‌های مختلف پرداخته و در نتیجه به دلایل ضعف و عدم ساخت فیلم‌های اقتباسی موفق در سینمای ایران اشاره کرده است. آنچه از بازکاوی تاریخچه روند اقتباس ادبی در سینمای ایران حاصل می‌شود این است که عموماً و یا به بیان جسورانه‌تر در اکثر قریب به اتفاق اقتباس‌های ادبی در ایران، هرگز موفقیت و شهرت فیلم به پای متن ادبی نرسیده و در بسیاری مواقع، اقتباس انجام شده و فیلم ساخته شده در سطحی بسیار نازل شکل گرفته است.

درجه دو و نازلتر از متن مورد اقتباس می‌دانند، این عقیده را رد می‌کند و اثر اقتباسی را اثر دوم می‌داند نه درجه‌ی دو. (هاچن، به نقل از سرکی، ۱۳۹۴: ۲۶) همچنین هاچن معتقد است در بسیاری از آثار اقتباسی، محتوا از رسانه‌ای به رسانه دیگر منتقل می‌شود. به باور وی چیزی که مورد اقتباس قرار می‌گیرد می‌تواند از هر یک از عناصر متن، اعم از شخصیت، تم، پیرنگ، مکان، موقعیت و حتی جهان خاص آن اثر، جهت آفرینش متنی دیگر بهره‌برد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر، جستجوی اطلاعات حول محور تحلیل و بررسی آثار انیمیشن سینمایی اقتباسی از کتب مقدس می‌باشد. در این پژوهش به منظور بررسی ادبیات موضوعی و پیشینه تحقیق، مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و از سویی دیگر، از نظر ماهیت و روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. استفاده از نرم افزارهای مخصوص قرآنی جهت جستجو در آیات به همراه معنی و تفسیر آنها یکی از راه‌های کاربردی برای گردآوری داده‌های این پژوهش است. از جمله نرم افزارهای استفاده شده می‌توان به دو نمونه‌ی جامع «مصحف المدینه» و «جامع التفسیر نور» اشاره کرد. از دیگر روش‌های گردآوری داده‌ها، مراجعه به کتابخانه و سایت‌های معتبر و مرتبط در زمینه‌ی اقتباس، امور مذهبی و دینی و همچنین روش تحلیل اطلاعات و استخراج و مشاهده و تحلیل تعدادی اثر انیمیشنی ساخته شده در زمینه‌ی اقتباس که قابلیت بررسی برای موضوع ما را دارند که به صورت هدفمند و براساس نزدیکی به موضوع انتخاب شده‌اند.

انیمیشن خارجی «عزیز مصر» که زندگی حضرت موسی را روایت می‌کند و برگرفته از داستان‌های قرآن، تورات و کتب تاریخی است و همچنین انیمیشن ایرانی «فیلشاه» که داستان اصحاب ابرهه در قرآن را به تصویر کشیده است، دو نمونه‌ی انتخابی در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل و بررسی می‌باشند. برای اطمینان از روایی تحقیق حاضر، باید نمونه مورد مطالعه از نظر همگونی با جامعه مورد مطالعه و دارا بودن ویژگی‌ها و صفات آن، بخشی از جامعه آماری تلقی شد، بدین جهت نمونه‌های انتخاب شده معرف ویژگی‌های اساسی جامعه هستند و به همین دلیل کاملاً هدفمند و براساس نزدیکی به موضوع انتخاب شده‌اند. در نهایت نمونه انیمیشن‌های سینمایی انتخاب شده از نظر کارکردها و مؤلفه‌های اقتباس

داری) آزمون شوندگان در میزان تغییر رفتارشان را سنجیده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که به طور کلی، تماشای انیمیشن‌های مذهبی، رفتار دینی گروه مخاطب را تقویت کرده است و همچنین، جنسیت و پیشینه دین‌داری نوجوانان، در این تاثیر نقش دارد.

چارچوب نظری پژوهش

لیندا هاچن یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه اقتباس و نویسنده کتاب معروف «نظریه‌ای در باب اقتباس» است. وسعت دامنه‌ی تحقیقات وی در زمینه‌ی اقتباس، یکی از عوامل مهم در شاخص شدن هاچن است. هاچن نه تنها در حوزه‌ی سینما بلکه در بسیاری از حوزه‌های دیگر نیز اقتباس را بررسی کرده است و می‌توان گفت نظریه‌ی اقتباس وی، کلیه هنرها را در بر می‌گیرد. لیندا هاچن از تاثیرگذارترین نظریه‌پردازان این حوزه، معتقد است اقتباس امری دو وجهی است: اقتباس به مثابه فرایند و اقتباس به عنوان فرآورده این دو وجه را تشکیل می‌دهد. در نوع اقتباس به مثابه فرایند، هاچن به رابطه‌ی دوسویه‌ی اقتباس‌گر و مخاطب اثر تاکید دارد. وی معتقد است که اقتباس‌گر به بازتولید و بازتفسیر متن دست می‌زند لذا کنش وی «عمل خلاقانه و مفسرانه‌ی تصاحب» است. هاچن برای مخاطب اثر اقتباسی نیز اهمیت زیادی قائل است. وی مخاطب را دو گروه در نظر می‌گیرد، یکی گروهی که از منبع اقتباس آگاهند لذا باعث لذت بخش بودن اثر تولیدی برای آنها می‌شود. درک بازی میان متن‌ها، آشنایی و تکرار آرامش بخش متنی که مخاطب آن را می‌شناسد، علاوه بر لذت بخشی برای وی باعث افزایش اعتماد به نفس وی خواهد شد. اما دسته‌ی دوم از مخاطبین، کسانی هستند که به منبع اقتباس آگاهی ندارند. هاچن این دسته را نیز در یک اقتباس موفق، علاقمند و مجذوب اثر تولید شده قلمداد می‌کند، زیرا برخورد آنها با اثر اقتباسی مثل یک اثر مستقل خواهد بود. (همان: ۳۷-۳۸)

هاچن اعتقاد دارد در اقتباس به عنوان فرآورده، در واقع اثری مستقل خلق می‌شود. اثری که در عین منحصر به فرد بودن، بخشی از هویت خود را به عنوان یک فرآورده‌ی اقتباسی، وامدار اثر اصلی می‌داند. وی بحث می‌کند که ابتدا باید اثر اقتباسی را به عنوان یک محصول مستقل مورد بررسی قرار داد و سپس به بُعد اقتباسی بودن آن پرداخت. هاچن برخلاف نظریه‌پردازان دیگر که فرآورده را محصولی

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش روش‌های استنتاجی بر اساس اینکه چگونه مضامین و درونمایه‌های موجود در متون مذهبی در این دو فیلم انیمیشن صورت گرفته، می‌توان ابعاد اقتباس را در متغیرهایی مانند: دیالوگ، عناصر میزانشن مانند (نور، رنگ و طراحی صحنه و غیره) و از طریق شرح مستقیم روایت یا راوی، چگونگی اقتباس از مضامین موجود در کتب مقدس را در این فیلم‌ها بررسی کرد. با توجه به نظریه‌ی هاچن که معتقد است ابتدا باید اثر اقتباسی را به عنوان یک محصول مستقل مورد بررسی قرار داد و سپس به بُعد اقتباسی بودن آن پرداخت، در ادامه، انیمیشن عزیز مصر و فیلساه به عنوان آثاری مستقل، ابتدا از نظر جنبه‌های محتوایی داستان در کتاب مقدس مورد تحلیل قرار گرفته و سپس همان مولفه‌ها در دو انیمیشن اقتباسی بررسی می‌گردد.

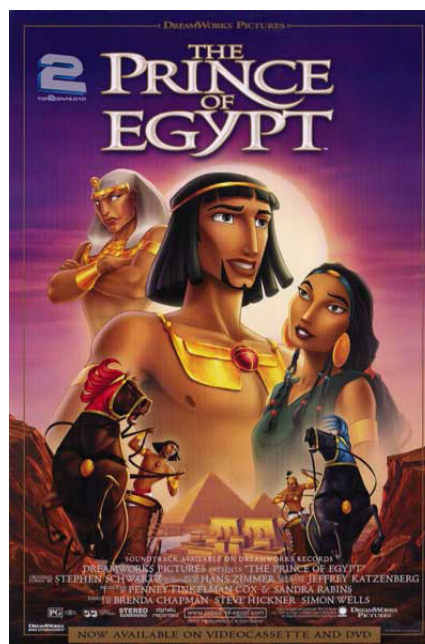
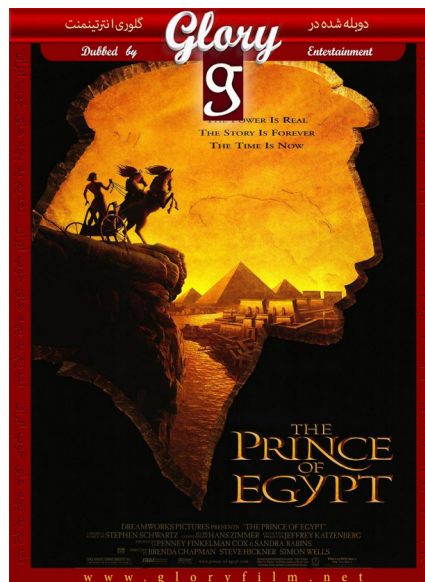
نمونه‌ی اول: انیمیشن «عزیز مصر»

جدول ۱- مشخصات فیلم انیمیشن عزیز مصر.

نام فارسی	عزیز مصر - شاهزاده مصر - پادشاه مصر
نام انگلیسی	The Prince of Egypt
سال تولید	۱۹۹۸
کارگردان	سامون ولرز ^۱ - برندا چیمن ^۲ - استیو هیکنر ^۳
نویسنده	فلیپ لازبنیک ^۴ - نیکولاس مایر ^۵
بر اساس	کتاب عهد عتیق - تورات - سفر خروج
موسیقی	هانس زیمر ^۶ - استفان شوارتز ^۷
زبان	انگلیسی - عبری
کشور سازنده	آمریکا
هزینه ساخت	۷۰ میلیون دلار
میزان فروش	۲۱۸ میلیون دلار
شرکت تولید کننده	دریم ورکس

3. Simon Wells
4. Brenda Chapman
5. Steve Hickner
6. Philip LaZebnik
7. Nicholas Meyer
8. Hans Florian Zimmer
9. Stephen Lawrence Schwartz

مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و به بررسی و تفسیر این موضوع که چه جنبه‌هایی از اقتباس در انیمیشن‌های سینمایی بیشتر مورد توجه و استفاده قرار گرفته است و یا در نمونه‌های موردی، توجه به کدام جنبه‌های اقتباس باعث جذابیت بیشتر این انیمیشن‌ها گردیده است، پرداخته شد.



شکل ۱ - دو پوستر معروف از فیلم عزیز مصر
منبع: سایت glorytoon.com

خلاصه داستان

داستان از زمانی شروع می‌شود که فرعون، پادشاه مصر فرمان کشتن نوزادهای پسر را می‌دهد؛ و مادر موسی، برای نجات وی، آن را در سیدی می‌گذارد و در آب می‌اندازد. همسر فرعون بچه را پیدا می‌کند و آن را مثل پسر خویش - رامسس - بزرگ می‌کند. کم‌کم موسی بزرگ می‌شود و متوجه می‌شود پدرخوانده‌اش در حق برده‌ها ظلم می‌کند. روزی در حالی که شاهد شلاق خوردن یکی از برده‌ها بود، تحمل نکرده و با نگرانی درگیر شده و باعث کشته شدن وی می‌شود. همین امر موجب می‌شود به جهت نگرانی از عقوبت کار پا به فرار می‌گذارد. حضرت موسی به سمت سحرای سینا رفته و با شعیب آشنا می‌شود و دخترش را به همسری برمی‌گزیند. سالها به گوسفند چرانی مشغول بوده تا زمانی که از سوی خدا برای نجات قوم بنی اسرائیل به او وحی شده و او برای انجام این رسالت راهی مصر می‌شود. روایت ماجرا تا زمانی که حضرت موسی بارها با معجزات مختلف سراغ فرعون رفته تا او را هدایت کند و قوم خود را نجات دهد ادامه می‌یابد و در نهایت حضرت موسی طی ماجراهایی متعدد قوم خود را از مصر به سمت ارض موعود یا سحرای سینا هدایت می‌کند و ماجرای شکافته شدن نیل و نجات قومش و از بین رفتن سپاه فرعون اتفاق می‌افتد. عزیز مصر فیلم انیمیشنی در سبک موزیکال است که در سال ۱۹۹۸ منتشر شد. این انیمیشن، روایت داستان زندگی موسی پیامبر (ع) است و نخستین انیمیشن ساخت شرکت فیلم سازی «دریم ورکز»^{۱۰} محسوب می‌شود.

بررسی جنبه‌های محتوایی داستان در کتب مقدس

داستان موسی و قوم بنی اسرائیل در قرآن و تورات، حاوی نکات آموزنده و مهم تربیتی است به ویژه در مسئله روش‌های تربیت که نکات درخور توجه دارد. در قرآن کریم فرازهایی از سرگذشت و عملکرد اقوام پیشین بیان شده است که مهم‌ترین آنها، داستان موسی و بنی اسرائیل است. داستان حضرت موسی حاوی مولفه‌های عدیده‌ای است و نکات ارزشمندی دارد.

مهمترین جنبه‌های این داستان در کتب مقدس را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

۱- امتحان و بلا: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبُّوْنَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ) (ابراهیم/۶) «و هنگامی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همان‌ها که شما را به بدترین وجهی عذاب می‌کردند؛ پسرانتان را سر می‌بردند و زنانتان را (برای خدمتکاری) زنده می‌گذاشتند و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!» در کتب دینی درباره‌ی بلاهایی که به جهت آزمون و امتحان بر حضرت موسی و قومش و همچنین فرعونیان نازل می‌شده بسیار ذکر شده است. زیاد شدن انواع مختلف حیوانات موزی، بیماری‌های مختلف، تلف شدن حیوانات و مزارع، طوفان‌های سنگین، مرگ نخست زادگان انسانها و حیوانات از جمله فرزندان اول فرعون، جزو عذاب‌های ذکر شده برای فرعونیان و قوم بنی اسرائیل بود. بنابراین روش ابتلا و امتحان می‌تواند به عنوان ابزار موثر جهت تربیت بندگان و از بین رفتن ضعف‌ها و افزایش توانمندی‌ها مورد استفاده قرار گیرد زیرا این یک سنت الهی است.

۲- امید به آینده: در قرآن و کتب مقدس آمده که مردم، ظلم‌های فراوان فرعونیان را تحمل می‌کردند زیرا به وعده‌ی پیامبران گذشته مبنی بر ظهور منجی ایمان داشتند و امید به اینکه دادرسی خواهد آمد. در بسیاری از قسمت‌های داستان حضرت موسی در کتب مقدس، وجود امید در بین مردم مشهود است تا هنگامی که مژده‌ی ولادت منجی را دریافتند و نشانه‌های ظهورش را دیدند و این نشانه‌ی امید آنها بود.

۳- الگو بودن: در قرآن شیوه برخورد و رفتار حضرت موسی به عنوان الگو و سرمشق یاد شده است و به عنوان شخصی تاثیرگذار در روند هدایت قوم خود نمود پیدا می‌کند. حضرت موسی در داستان‌های ذکر شده در کتب مقدس شرایط یک منجی را داراست و برای اجرای تعالیم بزرگ الهی مثل: توحید، عدالت و اخلاق مبعوث شده است.

۴- محبت ورزیدن: در رفتارهای حضرت موسی با قومش و همچنین فرعونیان، همیشه در سراسر داستان محبت جریان دارد. همچنین در تعامل با پرودگار در جریان گفتگوی خدا با موسی در کوه طور و گذاردن تکلیف پیامبری بر عهده‌ی موسی و سفارش اینکه برای ارشاد فرعونیان با نرمی و اخلاق نیک سخن گویند. یا مواردی دیگر که در آن موسی از محبت

است ولی صراحت و روشنی برخی عبارات کتب عهدین در مورد خداوند و همچنین داستان حضرت موسی به گونه‌ای است که می‌توان از آنها، دیدگاه غیرتوحیدی را استخراج کرد. در این کتب القابی همچون دروغ، وجود شریک برای خداوند، بخل و جسمانیت به خدا نسبت داده می‌شود. در حالیکه در قرآن کریم نه تنها هیچ یک از اوصاف یادشده را به خداوند نسبت نمی‌دهد، بلکه در قصص و غیر آن، عالی‌ترین ظهور و پاک‌ترین صفات از آن اله است و هیچ کلمه دیگر از لحاظ رتبه و اهمیت، از آن برتر نیست. در نتیجه، بر خلاف آنچه در تورات آمده، توحید و خداشناسی، در قصه‌های پیامبران از جمله حضرت موسی که خود موحدان واقعی‌اند جلوه‌گری بیشتری دارد.

بررسی تطبیقی مضامین و درونمایه‌های انیمیشن عزیز مصر با متون کتب مقدس

داستان زندگی حضرت موسی به طور مفصل هم در قرآن ذکر شده و هم در تورات بسیار از آن گفته شده است. اقتباس از متون دینی و داستان‌های آن به مراتب سخت‌تر از موضوعات دیگر است. زیرا اقتباس کننده باید به مضامین اصلی داستان پایبند باشد و خدشه‌ای در باورهای دینی ایجاد نکند. مضامین و درونمایه‌های اصلی این داستان در کتب مقدس شامل موارد ذیل است که چگونگی اقتباس از این مضامین و درونمایه‌ها، در فیلم انیمیشن عزیز مصر بررسی می‌شود.

۱- امتحان و بلا: بلاها و امتحان در این انیمیشن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ ۱- بلاهایی که به واسطه‌ی ظلم و ستم فرعونیان، بر سر بنی اسرائیل بود. ۲- بلاهایی که به جهت نجات قوم بنی اسرائیل به واسطه‌ی حضرت موسی بر فرعونیان نازل می‌شدند.

در اوایل داستان با صحنه‌هایی روبرو هستیم که به دلیل سلطه‌ی برده داری و خشونت‌های پی‌درپی علیه قوم بنی اسرائیل، مظلومیت آنها و ظالم بودن فرعون به نمایش کشیده می‌شود. آنچه چشم گیر است عظمت تمدن مصر است که با دیدن مجسمه‌ها و بناهای عظیم الجثه خود را نمایان می‌کند و به نمایش گذاشتن عذابی که برده‌ها برای ساختن این بناها باید متحمل شوند قابل درک است.

برای هدایت و ارشاد مردم استفاده می‌کند؛ مانند برخورد عاطفی و محبت‌آمیز او در مواجهه با بنی اسرائیل.

۵- معجزه‌کننده و معجزات: در روایات دینی، نرمی و لطافت همراه با قاطعیت در معجزات حضرت موسی مشهود است. معجزه‌کننده در کتب مقدس فردی عالم به کار خویش با ایمان قبلی، فرمان خدا را بدون واهمه انجام می‌دهد. طبق روایات از مجموع پانزده معجزه‌ای که قرآن برای حضرت موسی (ع) ذکر کرده، شش معجزه برای قوم موسی (بنی اسرائیل) نازل شده (۱) است.

۶- موعظه‌شوندگان: علاوه بر اینکه حضرت موسی خود باید در قبال آنچه می‌گوید عامل به آن باشد، موعظه‌شونده نیز باید روحیه پذیرش موعظه را داشته باشد. فرعون در مقابل معجزات الهی علی‌رغم آشکار شدن حق، باز هم حاضر به پذیرش حق نبود. در نقطه‌ی مقابل، ساحران به محض آشکار شدن حق، در موعظه‌پذیری را بر خود نمی‌بندند و با دیدن معجزه الهی، سخنان موسی را پذیرفته و به سجده می‌افتند.

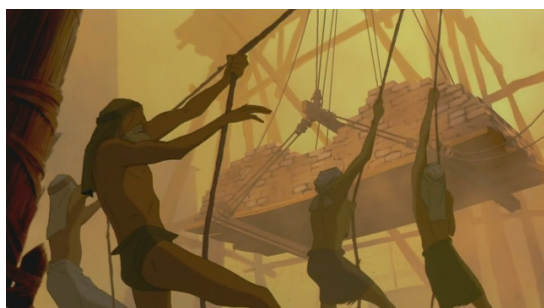
۷- توحید و خداشناسی: از نظر قرآن، خداپرستی فطری

جدول ۲- تطبیق داستان حضرت موسی در قرآن و تورات؛ منبع: نگارندگان.

قرآن	تورات
همسر فرعون حضرت موسی را سرپرستی کرد	دختر فرعون سرپرستی موسی را برعهده داشته است (۲)
تعداد معجزات بیان شده بیشتر است	تعداد معجزات بیان شده کمتر است
معجزات را مربوط به عصای موسی می‌داند	معجزات را مربوط به عصای هارون می‌داند
حضرت موسی وظیفه داشت فرعون را به ایمان، عمل صالح و ترک کفر دعوت کند و سپس به فکر نجات بنی اسرائیل باشد (۳)	تورات می‌گوید موسی فقط برای نجات بنی اسرائیل آمد
حضرت موسی به اذن خدا بنی اسرائیل را مخفیانه از مصر بیرون برد، نه به اذن فرعون	فرعون خود به موسی گفت هر جا می‌خواهید بروید
حضرت موسی عصای خود را به دریا زد و دریا شکافت	حضرت موسی دست خود را به طرف دریا دراز کرد

بخش از فیلم، به صورت اقتباسی وفادار از متن اصلی داستان درکتب مقدس، از طریق اشاری مستقیم به روایات، شکل گرفته است و بدرستی سختی‌های قوم بنی‌اسرائیل و فشار زورگویی‌های فرعونیان را در چندین صحنه مختلف

در ابتدای داستان کاملاً مشهود است که قوم بنی‌اسرائیل در بلایی بزرگ گرفتار شده‌اند و همانگونه که در کتب مقدس آمده، مورد امتحان الهی قرار گرفته‌اند و باید صبر پیشه کنند تا راه نجاتی پیدا شود. بخش‌های به نمایش درآمده در این



شکل ۲- نماهایی از ظلم فرعونیان بر قوم بنی‌اسرائیل؛ منبع: خود فیلم.



شکل ۳- نماهایی از بلاهای نازل شده؛ منبع: خود فیلم.

در واقع تاکید فیلم بر «قهرمان بازی» شخصیت‌های فیلم می‌باشد. در حالی که در تورات، پروردگار متعال قهرمان اصلی داستان است. اوست که موجب رهایی موسی و قومش می‌شود. در حالی که در طول فیلم نقش و عمل موسی را، در نجات قومش پرنگ تر از نقش پروردگار می‌بینیم. بدین جهت می‌توان به ترانه ای که «یوکابد» مادر موسی، به همراه قوم بنی اسرائیل در بخش ابتدائی فیلم می‌خواند توجه کنم.

«معجزه حقیقت دارد، اگر به آن ایمان داشته باشی، با وجود آنکه امید ضعیف است، اما نمی‌توان آن را از بین برد، اگر ایمان داشته باشید، شما هم می‌توانید خالق معجزه باشید». این ترانه مربوط به صحنه اول فیلم و جریان به آب انداختن موسی توسط مادرش می‌باشد. اما در انجیل ترانه ای که یوکابد می‌خواند مضمونی کاملاً متفاوت دارد. «بخوان به عشق پروردگار، زیرا او، به طرز شکوه مندانه ای پیروز گشته، او اسب و سوارش را به دریا افکند» و در ادامه قوم بنی اسرائیل یکصدا می‌خوانند: «من به عشق پروردگار خواهم خواند، زیرا او به طرز شکوه مندانه ای پیروز شده، او اسب و سوارش را به دریا افکند، یاد پروردگار، نیرو بخش من است، و باعث رستگاری من شده است». (۴)

در صحنه‌های متعددی از این فیلم، هدف از رسالت حضرت موسی آنطور که باید و شاید به تصویر کشیده نشده است. آنچه به مخاطب نمایش داده می‌شود، چه از نظر عناصر میزانشن و چه از طریق دیالوگ با اصل اثر مطابقت صحیحی ندارد. همچنین مغایرت داشتن شعر خوانده شده در فیلم با ترانه موجود در انجیل نشان از پایبند نبودن این بخش از داستان با روایت اصلی دارد.

۴- محبت ورزیدن: طبق متون اصلی حضرت موسی حتی با دشمنان خود برخورد رنوفانه ای پیشه می‌کرد. البته این سلوک تمامی پیامبران الهی بود. در صحنه‌های مختلفی از فیلم شاهد این هستیم که حضرت موسی برخوردهای نامناسبی از سمت برخی از اقوام بنی اسرائیل می‌بیند اما واکنش تندی نشان نمی‌دهد و صبورانه به هدایت آنها ادامه می‌دهد.

به شکل کامل از طریق میزانشن و شرح مستقیم روایت به نمایش می‌کشد.

۲- امید به آینده: قوم بنی اسرائیل طبق شنیده‌های خود منتظر شخصی برات نجات خود هستند و با همین امید زندگی را سپری می‌کنند. تا زمانی که نشانه‌های ظهور را می‌بینند. در صحنه‌ای از فیلم می‌بینیم که مریم و هارون با موسی رو به رو می‌شوند و برای اولین بار مریم راز موسی را برای او فاش می‌کند و اینگونه می‌گوید: «مادرم تو را بدنیا آورده و برای نجات جانت در سبیدی به آب سپرد و خدا تو را نجات داد تا تو نیز ما را نجات دهی و تو نجات دهنده هستی».

اما در برخی از صحنه‌های فیلم با ناامیدی روبرو می‌شویم آن زمان که موسی سعی در نجات قوم خود دارد. مثلاً در قسمتی از فیلم خواهر موسی می‌گوید: «خدا هیچوقت جواب دعا‌های مرا نداده» یا وقتی که حضرت موسی خطاب به بنی اسرائیل می‌گوید: من از جانب خدا برای نجات شما مبعوث شده‌ام، هارون پاسخ می‌دهد: «از کی تا حالا خدا نگران ماست» یا زمانی که حضرت موسی جریان مبعوث شدن خود را به سمت فرعون برای همسرش بیان می‌کند، همسرش از این امر یعنی «فرمان خدا» ناراحت می‌شود. این مضمون از فیلم با داشتن دیالوگ‌هایی، که مطابق با روایت اصلی داستان در کتب مقدس است، پیش نمی‌رود و گاهی کاملاً غیروفا دارانه و دور از آنچه در منابع ذکر شده بیان می‌شود. می‌توان گفت تحریفات صورت گرفته در این بخش به طور کامل نسبت به اصل داستان در کتب مقدس مشهود است.

۳- الگو بودن: حضرت موسی به عنوان یک هدایت کننده، خود باید دارای ویژگی‌های یک رهبر و الگو باشد. در قصه‌های اصلی دینی به اینگونه موارد اشاره شده است. در قرآن نیز حضرت موسی را به عنوان برگزیده نام می‌برد.

در این فیلم حضرت موسی، به هنگام مبعوث شدن در غار نسبت اشتباه به خدا می‌دهد و اصلاً پیامبری او، برای اجرای تعالیم بزرگ الهی مثل: توحید، عدالت و اخلاق نیست. چرا که در فیلم حضرت موسی از جانب خدا تنها راهنمای قوم یهود به سوی سرزمین موعود می‌باشد و نه چیز دیگر. و حتی در همه یجریان فیلم بعد از مبعوث شدن، موسی پیامبر «قوم محور» دیده می‌شود نه «خدا محور». معجزاتش نه برای اثبات حقانیت خدا بلکه برای نجات قوم یهود از ستم فرعونیان می‌باشد.

یا خون شدن رود نیل، که در این مواقع فرعونیان با جادو به مقابله می‌پردازند و جادو در فیلم بیشتر جلوه می‌کند به گونه‌ای که در چهره اشخاص در این فیلم، این قضیه کاملاً مشخص است. در اکثر معجزات رخ داده در فیلم خود حضرت موسی متعجب می‌شود و برای عملی که صورت گرفته توضیحی ندارد و برخوردش در سطح برخورد افراد عامه است و در برخی مواقع با تمسخر فرعونیان و جادوگران روبرو هستیم و اکثر معجزات هم برای ساحران قابل انجام و عادی تلقی شده و معجزه هیچ برتری نسبت به جادوی آنها ندارد.

مخاطب در این فیلم شاهد آن است که معجزات حضرت موسی خیلی ساده رخ می‌دهد، و حتی اندکی حیرت زدگی، بعد از اتفاق افتادن معجزه، در حضرت موسی مشاهده می‌شود. اما در مقابل، ساحران با آواز و جلوه‌گری و جلب توجه، جادوی خود را به نمایش می‌گذارند، مانند صحنه‌ی تبدیل شدن عصا به مار که در این صحنه ساحران، با موسیقی و ریتمی قابل توجه همراه با نور پردازی خاص و رنگ‌های متعدد در طراحی صحنه و میزانشن، نظر مخاطب را به جادوگری خودشان جلب می‌کنند. اما در زمان بازنمایی معجزه‌ی حضرت موسی این امر بدون هیچ عناصر خاصی در صحنه رخ می‌دهد. در حالی که در روایات کتب مقدس، کاملاً برعکس این بخش از فیلم نقل شده است و زمان تقابل معجزات، حضرت موسی کاملاً مسلط و غالب بر هر عملی از سوی ساحران است و معجزات ایشان همیشه باعث حیرت و توجه حضار به شکلی جذاب و نمایشی بوده است. ۶- موعظه شوندگان: در تورات آمده موسی و هارون نزد فرعون رفتند. ابتدا فرعون حرف‌های آنان را نپذیرفت و حضرت موسی چندین معجزه آورد و حتی در نبرد میان ساحران و موسی، موسی برنده شد تا اینکه بعد از معجزات فراوان، فرعون تسلیم شد و به موسی گفت بنی اسرائیل را از مصر خارج کن.

در روایات قرآنی نیز اینگونه اشاره شده است: (وَ اَلْقَى السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ)؛ «و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتادند» (سوره اعراف آیه ۱۲۰ و شعراء آیه ۶۴) (فَالْقَى السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَٰؤُلَاءِ وَ مُوسَى)، «عصای موسی افسون‌ها را بلعید، و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده، گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم» (سوره طه، آیه ۷۰).

حتی گاهی حضرت موسی از جانب هارون هم مورد اهانت قرار می‌گیرد ولی باز ایشان جز حرف از هدایت و دلسوزی نمی‌زند. البته در قرآن آیه‌ای که نشان از اهانت هارون باشد وجود ندارد بلکه از هارون بسیار تعریف شده است.

هارون برادر حضرت موسی طبق قول انجیل سخن‌گوی موسی در نزد فرعون می‌باشد اما در فیلم، او نقش خاصی ندارد و حتی حمایت چندانی از حضرت موسی نمی‌کند. در سفر خروج، فصل چهارم (فقرات ۱۶-۱۰)، درباره هارون اینگونه صحبت شده است: «حضرت موسی به خداوند عرضه داشت که من مرد فصیحی نیستم. خداوند او را متوجه این نکته فرمود که خداست که خالق گنگ و کر است و به او فرمود که من زبان تو خواهم بود. موسی به این راضی نشده و از خداوند خواست تا کسی را همراه او بفرستد. در این زمان خداوند خشمگین شده و به موسی فرمود که هارون همراه تو خواهد بود.» ارشاد حضرت موسی و اخطار به مردم درباره‌ی بلاهایی که قرار است نازل شود و تلاش دلسوزانه جهت آزادی قوم بنی اسرائیل، همه نشانه‌های محبت و ورزیدن پیامبر الهی است.

آنچه در این بخش از روایت شاهد آن هستیم، مکالمات متعددی است که بین قوم بین اسرائیل و هارون با حضرت موسی شکل می‌گیرد و در نهایت در تمام صحنه‌های به تصویر کشیده شده درباره‌ی این مضمون، به خوبی صبر و مهربانی حضرت موسی مشهود است و توانسته از طریق دیالوگ، عناصر میزانشن و شرح مستقیم روایت، به گونه‌ای موفق به اصل روایات وفادار باشد و حس محبت و ورزیدن حضرت موسی نسبت به قومش را به مخاطب منتقل کند.

۵- معجزه‌کننده و معجزات: از زمانی که حضرت موسی از سمت خدا مامور شد تا به مصر بازگردد و فرعون را هدایت و قومش را آزاد سازد، معجزات شروع می‌شود. موارد متعددی از معجزات حضرت موسی در قرآن ذکر شده است که تعداد آن در مقابل کتاب تورات بیشتر است.

معجزه‌کننده خود باید عالم‌یه کار خویش باشد و با اعتماد قلبی از سوی امر الهی اقدام به این عمل نماید و بدون هیچ شک و تردید کار خود را به انجام برساند زیرا به رسالت خدا ایمان دارد.

در بعضی از نقاط فیلم جادو را با عظمت تر از معجزه نشان می‌دهند. مثل معجزه مار شدن عصای موسی پیامبر

پیامبری برگزیدم و به آنچه به تو وحی می شود گوش فرا ده، به راستی که من خدایم و خدایی جز من نیست، مرا پرستش نما و نماز را به یاد من به پای دار...».

اما در صحنه دیگری می بینیم که موسی و برخی افراد در فیلم به خدا اعتراض می کنند و نسبت اشتباه به او می دهند. این اندیشه که خدا ناتوان است و اجازه در اعتراض کردن به او، در تفکرات یهود وجود دارد. حتی قرآن هم به این تفکر اشاره می کند و آن را رد می کند. (مائده/۶۴) «و قالت الیهود یدالله مغلوله غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان.» و یهود گفتن دست خدا بسته است، دست های آنها بسته شده است به واسطه این گفتار، و به خاطر گفتارشان لعن شدند بلکه دو دست خدا گشاده است.».

در برخی صحنه ها با دیالوگ هایی روبرو می شویم که نشان از عدم توانمندی خدا در حل مشکلات دارد. ساختار این انیمیشن نسبت به اصل اثر، کمتر جنبه معنوی و دینی دارد و مواردی چون توحید و عظمت خداوند آنطور که باید و شاید به تصویر کشیده نشده است. به بیان دیگر؛ داستان روایت شده نسبت به داستان اصلی جنبه دراماتیک و بشرگرایانه تری تا جنبه مذهبی دارد.

در جدول زیر تطابق فیلم با داستان روایت شده در قرآن و تورات لیست شده است.

جدول ۳- تطبیق موضوعات و درونمایه های فیلم انیمیشن عزیز مصر با متن قرآن و تورات؛ منبع: نگارندگان.

تطابق		صحنه ی نمایش داده شده در فیلم
تورات	قرآن	
×	✓	حضرت موسی توسط همسر فرعون از آب گرفته می شود
×	✓	معجزاتی که توسط عصا رخ می دهد متعلق به حضرت موسی است
✓	×	حضرت موسی به واسطه امر خدا برای نجات قومش نزد فرعون مامور می شود
✓	×	حضرت موسی در تلاش برای نجات قوم بنی اسرائیل بود
✓	×	حضرت موسی با رضایت فرعون، بنی اسرائیل را از مصر بیرون برد
×	✓	حضرت موسی عصای خود را به دریا زد

برخلاف آنچه در کتب مقدس ذکر شده، ما در فیلم شاهد این صحنه هستیم که ساحران پس از معجزه ی حضرت موسی و تبدیل عصا به مار، نه تنها متعجب نمی شوند بلکه با حالت تمسخر و کوچک شمردن امر، معجزه آن حضرت را در حد جادویی می دانند که خود نیز ب راحتی توان انجام آن را دارند. این ماجرا در مورد تبدیل شدن آب رود نیل به خون نیز مجدداً تکرار می شود. دیالوگ ها و همچنین برخورد و واکنش های کاراکترهای انیمیشن در این صحنه ها با آنچه در روایات بیان شده است مطابقت ندارد. بنابراین اقتباس صورت گرفته وفادار به اصل داستان نبوده و جنبه های اصلی این مضمون در روند داستان کاملاً کمرنگ شده است.

۷- توحید و خداشناسی: همانگونه که مطرح شد در قرآن خداشناسی با صفات عالی مطرح شده و در داستان حضرت موسی بارها به امر الهی مردم را به توحید و خداشناسی دعوت می کرد.

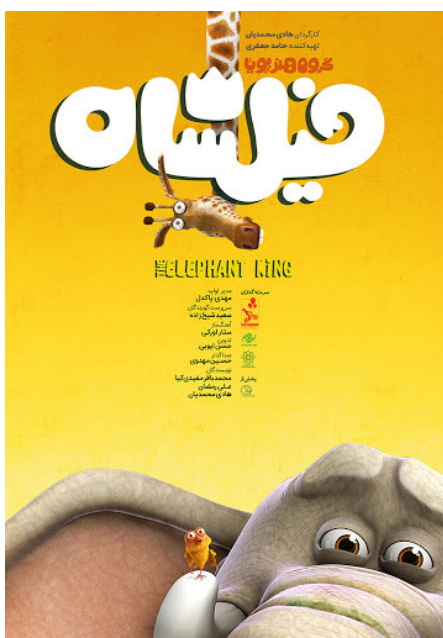
در فیلم، صحنه ی رسیدن حضرت موسی به کوه طور و شنیدن صدای وحی که خدا به وی می فرماید: «ای موسی! من پروردگار توأم، از این رو به جهت ادب و تواضع کفش هایت را بیرون آر، چه این که تو در سرزمین پاک و مقدسی (طوی) گام نهاده ای، ای موسی! تو را برای نبوت و



شکل ۴- نمایی از تبدیل شدن عصا به مار توسط حضرت موسی و اجرای همین کار توسط ساحرین؛ منبع: خود فیلم.

جدول ۴- مشخصات انیمیشن فیلشاه.

نام فارسی	فیلشاه
نام انگلیسی	The Elephant King
سال تولید	۱۳۹۶
کارگردان	هادی محمدیان
نویسنده	محمدباقر مفیدی کیا - هادی محمدیان - محمدعلی رمضانپور
بر اساس	داستان اصحاب فیل و حمله ابرهه به خانه کعبه در قرآن
موسیقی	ستار اورکی
زبان	فارسی - عربی - انگلیسی
کشور سازنده	ایران
هزینه ساخت	۳ میلیارد
میزان فروش	بیش از ۸ میلیارد
شرکت تولید کننده	گروه هنر پویا



شکل ۵- دو پوستر معروف از انیمیشن فیلشاه
منبع: سایت imdb.com و سایت glorytoon.com

با توجه به بررسی تطبیقی مضامین و درونمایه‌های انیمیشن عزیز مصر با متون کتب مقدس و در نظر گرفتن نظریه هاچن مبنی بر اینکه اقتباس امری دو وجهی است، می‌توان این محصول را به عنوان یک فرآورده تلقی کرد. زیرا این انیمیشن در عین منحصر به فرد بودن، بخشی از هویت خود را به عنوان یک فرآورده‌ی اقتباسی، وامدار اثر اصلی است و تلاش کرده تا به چارچوب اصلی داستان پایبند باشد. پیش‌تر این نتیجه ذکر شد که در بررسی‌های محتوایی در ساختار فیلم، برخی تحریفات صورت گرفته که با اصل روایت داستانی مخصوصاً کتاب مقدس عهد عتیق تطابق ندارد، ولی صحنه‌های بسیاری نیز با اقتباس کاملاً وفادارانه و مستقیم به روایت داستان پرداخته، که بُعد اقتباسی این اثر را پررنگ جلوه می‌دهد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که بر طبق نظریه هاچن در مورد دسته‌بندی مخاطب، دیدن این اثر اقتباسی برای مخاطبین لذت بخش‌تر خواهد بود زیرا با توجه به فراگیر بودن داستان حضرت موسی و مطلع بودن مخاطب از منبع اقتباس و آگاهی از روند داستان، این امر باعث ایجاد ارتباط بیشتر مخاطب با اثر به لحاظ درک بازی میان متن‌ها و نیز تکرار متنهایی که برای مخاطب آشناست، می‌شود.

خلاصه داستان

فیلشاه داستان بچه فیلی به اسم شادفیل است که پسر رئیس قبیله‌ی فیل‌هاست. شادفیل یکی از تپل‌ترین فیل‌های قبیله و البته دست و پا چلفتی‌ترین آنها محسوب می‌شود. او عزیز دردانه مافیل (مادرش) است و در بین جمع سایر بچه فیل‌ها مورد تمسخر واقع می‌شود به طوری که آنها لقب شاسفیل را به او داده‌اند. با آمدن شکارچیان به سرزمین فیل‌ها و شکار اکثر آنها، شادفیل و اعضای قبیله‌اش در کشتی دزدان، زندانی می‌شوند. در کشتی فیلشاه با دختری به نام مریم آشنا می‌شود که او نیز اسیر است. رئیس این دزدان فردیست با نام اسفل السافلین که قصد دارد تمام حیواناتی که شکار کرده را به پادشاه کشورش تقدیم کند. کشوری که نامش صبا است و پادشاه قصد دارد در آن با کمک فیل‌ها یک بتکده درست کند و مسولیت آن را به بابا برنابا پدر بزرگ مریم، کشیش معروف شهر بسپارد ولی وی زیر بار این مسولیت نمی‌رود. هدف از ساخت این بتکده، رونق گرفتن شهرش بواسطه‌ی ورود تجار و بی اهمیت کردن خانه‌ی کعبه است که در حال حاضر بسیار پر رفت و آمد و پر رونق شده است. پس از تلاش‌های بسیار جهت ساخت بتکده، به نتیجه‌ی مطلوب خود نرسیده و به بهانه‌ی بی احترامی یک فرد به بتکده، این موضوع را دلیلی برای تلافی و تخریب کعبه بیان می‌کند و کلیه‌ی فیل‌ها را با نام سپاه ابره به سمت مکه روانه می‌سازد. در بین راه سپاه ابره (۵) با کاروان عبدالمطرب برخورد می‌کند و فیلشاه تازه متوجه ماجرای تخریب می‌شود و سعی بر منصرف کردن فیل‌های دیگر می‌کند. اکثر فیل‌ها به تبعیت از فیلشاه عقب نشینی می‌کنند اما سربازان همچنان به سمت مکه روانه هستند. در این هنگام دسته‌هایی از پرندگان آسمانی به نام ابابیل که با خود سنگ ریزه‌هایی به همراه دارند خود را بالای سر سپاه می‌رسانند و سنگ‌ها را بر سر سپاهیان فرو می‌ریزند و باعث هلاکت آنها می‌شوند. داستان با ولادت پیامبر (ص) در همان سال که به عام الفیل شهرت دارد به پایان می‌رسد.

بررسی جنبه‌های محتوایی داستان در کتب مقدس

در بسیاری از اقتباس‌های صورت گرفته از داستان‌های موجود در کتب مقدس، قالباً شخصیت اصلی داستان همان کاراکتر اصلی است و داستان از دید وی به تصویر کشیده می‌شود. مخصوصاً داستان‌هایی که درباره‌ی پیامبران روایت

می‌شوند. اما در برخی دیگر از نمونه‌های اقتباسی، داستان به روایت شخص دیگری به تصویر کشیده می‌شود و شخصیت اصلی داستان فرد دیگری است. اینگونه اقتباس‌ها که به صورت غیرمستقیم از چهارچوب واقعگرایانه خارج شده و شخصیت اصلی داستان را کس دیگری بر عهده می‌گیرد در انیمیشن فیلشاه نیز هم تکرار شده است.

اتفاق اصلی توسط سپاه ابره رخ می‌دهد و فرمان حمله از سوی پادشاه یمن صادر می‌شود. و در نهایت آنچه باعث شکست آنها می‌شود پرندگان ابابیل هستند. اما آنچه در این داستان به عنوان شخصیت اصلی نشان داده شده خود فیلشاه است. ذکر این داستان و اتفاقات بسیار دیگری در قرآن همیشه دربردارنده نکات خاصی بوده است. در بررسی محتوای این داستان در کتب تاریخی و مذهبی از جمله خود قرآن می‌توان به موارد شاخص این داستان اشاره کرد:

۱- تزلزل موقعیت کعبه: یکی از نکات مهمی که در کتب تاریخی به آن اشاره شده زمانی است که ابره برای اثبات خوش خدمتی در پیشگاه نجاشی (۶) کلیسای بسیار زیبا و مهمی بنا کرد و به دنبال آن تصمیم گرفت مردم جزیره عربستان را به جای کعبه به سوی آن فرا خواند و مرکزیت مهم مکه را به آنجا منتقل کند. برای همین منظور مبلغان بسیاری به اطراف و در میان قبائل عرب و سرزمین حجاز فرستاد، اعراب که سخت به مکه و کعبه علاقه داشتند احساس خطر کردند و دست به هر تلاشی زدند تا در نهایت معبد ابره را بی اعتبار کردند. ابره سخت خشمگین شد، و تصمیم گرفت خانه کعبه را به کلی ویران کند و کعبه را بی اهمیت جلوه سازد. زیرا هم محل عبادت بود و هم مکانی اقتصادی جهت کسب کار تجار به حساب می‌آمد و رونق بسیار داشت. اما آنها نه تنها به مقصد خود نرسیدند، بلکه این ماجرا که آوازه اش در تمام جزیره عربستان پیچید بر عظمت مکه و خانه کعبه افزود.

۲- ایمان، اعتقاد و توکل بر خدا: یکی از نکات مهم در داستان ابره زمانی است که لشکر ابره به حوالی مکه رسیدند، ابره پیکی فرستاد، تا با بزرگ اهل مکه گفتگو کند و خبر تخریب مکه را به او بدهد. او برای رئیس قریش، عبدالمطلب، پیام فرستاد که «من برای کشتار مردم نیامدم، بلکه تنها برای انهدام کعبه لشکرکشی کرده‌ام». عبدالمطلب نیز به پیک ابره گفت، برو به ابره بگو ما سرچنگ با شما نداریم چون توان آن را نداریم، اما در مورد تخریب خانه

همه اموری هستند خارق عادت، ولی می‌دانیم اینها در برابر قدرت خداوند بسیار ناچیز است.

۵- امید به آینده: در کتب دینی و تفاسیر موجود در باب حادثه حمله به مکه و واقعه سپاه ابرهه آمده است که مسیحیان آن دوران، بر طبق کتب آیین خود بشارت از آمدن یک منجی می‌دهند. منجی که به گفته‌ی اقوام گذشته، آخرین فرستاده‌ی خداست و نجات دهنده‌ی بشر است. از جمله این افراد در روایات می‌توان به برنابا یکی از پیشگامان ایمان به مسیح، اشاره کرد. جالب این است که انجیل برنابا به پیشگویی تورات درباره آمدن یک ناجی، مهر تایید می‌زند و خیلی آشکارا از نبوت پیامبر اسلام (ص) سخن گفته است. از سوی دیگر اعراب نیز بر طبق شنیده‌های خود از گذشتگان و همچنین آنچه از تورات و انجیل به گوششان رسیده بود، در انتظار منجی بودند.

بررسی تطبیقی مضامین و درونمایه‌های انیمیشن فیلساه با متون کتب مقدس

داستان فیلساه روایتی از حمله‌ی اصحاب ابرهه به مکه را نشان می‌دهد. روایتی که بخاطر اهمیت بالای آن قرآن یک سوره اختصاصی به نام فیل دارد. انیمیشن فیلساه به صورت اقتباسی غیرمستقیم روایتگر ماجراست. با توجه به نکاتی که تشریح شد، در بررسی این نمونه، به مهمترین مولفه‌های مضمونی و محتوایی موجود در انیمیشن اقتباسی فیلساه، نسبت به آنچه در کتب مقدس بیان شده اشاره می‌شود.

۱- تزلزل موقعیت کعبه: طبق آنچه قبلاً مورد بررسی قرار گرفت، در متون آمده است که آن زمان کعبه از محبوبیت خاصی بین اعراب و تجار بهره‌مند بود و ابرهه تلاش می‌کرد تا این مکان مهم را فاقد ارزش کند و کلیسایی که خود قصد بنای آن را داشت، مرکز عبادت و تجارت شود و بدین ترتیب مقدمات حمله شکل گرفت. اما آنچه ما در انیمیشن اقتباسی فیلساه شاهد آن هستیم خیلی به اهمیت کعبه پرداخته نمی‌شود و حتی قبل از پلان‌های آخر فیلم، هیچ صحنه‌ای از کعبه نمی‌بینیم و نمایی از مرکز عبادت بودن یا مرکز تجاری بودن در تصویر نیامده است. فقط در چند دیالوگ که از سوی اسفل درباره کعبه صحبت می‌شود بیننده باید به اهمیت کعبه پی ببرد که قطعاً کافی نیست. وقتی مکانی در این حد از اهمیت بالایی برخوردار است که به جهت تخریب آن لشکرکشی صورت می‌گیرد پس مطلوب آن است که قبل از واقعه، درباره‌ی مهم بودن آن

کعبه به ابرهه بگو که این خانه، خانهٔ خدای ما و خانهٔ خلیل وی ابراهیم (ع) است، اگر خودش بخواهد از خانه خود و خانه خلیل خود محافظت کند، می‌تواند و اگر نخواهد ما هیچ نتوانیم کرد. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۲۵)

این روایت اعتماد و توکل کامل قریشیان و در رأس آنها عبدالمطلب رئیس طایفه را به پروردگار نشان می‌دهد زیرا اعراب به شدت به کعبه علاقه داشتند و آن را میراثی از حضرت ابراهیم (ع) می‌دانستند.

۳- قدرت الهی: از اتفاقات بسیار مهم در این واقعه که در کتب تاریخی ذکر شده می‌توان قدرت الهی را بیان نمود که به صورت عذاب به سپاه ابرهه فرود آمد زیرا جز خدا کسی قادر به مقابله با آن سپاه عظیم نبود. در این هنگام پرندگانی از سوی دریا فرا رسیدند، همانند پرستوها و هر یک از آنها سه عدد سنگریزه با خود همراه داشت، یکی به منقار و دو تا در پنجه‌ها، تقریباً به اندازه نخود، این سنگریزه‌ها را بر سر لشکریان ابرهه فرو ریختند، و به هر کدام از آنها اصابت می‌کرد هلاک می‌شد، در این هنگام وحشت عجیبی بر تمام لشکر ابرهه سایه افکند، آنها که زنده مانده بودند پا به فرار گذاشتند، و راه یمن را سؤال می‌کردند که بازگردند، ولی پیوسته در وسط جاده مانند برگ خزان به زمین می‌ریختند. شاید مجازاتی سخت‌تر از مجازات لشکر ابرهه در دنیا پیدا نشود که جمعی چنان درهم کوبیده شوند که به صورت کاه خرد شده و خورده شده (عَصَفِ مَأْكُول) درآیند. مقصود این سوره از طرح داستان مزبور، تأکید بر قدرت الهی و نزول عذاب آسمانی به دلیل عدم تبعیت از حق است.

۴- معجزه بی نظیر: جالب اینکه قرآن این داستان مفصل و طولانی را در چند جمله کوتاه و کوبنده، در نهایت فصاحت و بلاغت، آورده است. این ماجرا نشان می‌دهد که معجزات لزومی ندارد که بر دست پیامبر و امام ظاهر شود، بلکه در هر شرایطی که خدا بخواهد و لازم بداند انجام می‌گیرد، هدف آن است که مردم به عظمت خداوند و حقانیت آئین او آشنا شوند. این معجزات عجیب و اعجاز‌آمیز، با معجزات دیگر یک فرق روشن دارد، زیرا معجزاتی همچون طوفان نوح، زلزله و سنگباران قوم لوط، تندباد قوم عاد و صاعقه قوم ثمود، یک سلسله حوادث طبیعی بودند که فقط وقوع آنها در آن شرایط خاص معجزه بود ولی داستان نابودی لشکر ابرهه به وسیله سنگریزه‌هایی که از منقار و پا‌های آن پرندگان کوچک فرو می افتاد چیزی نیست که شبیه حوادث طبیعی باشد و

شترانش است و ادامه میدهد که: *أَنَا رَبُّ الْآلِیْلِ*، *وَ أَنْ لِلَّیْلِ رَبًّا سِیَمَنَعُهُ*! من صاحب شترانم هستم و این خانه صاحبی دارد که از آن دفاع می کند. این قسمت از فیلم اقتباسی کاملاً وفادار به اصل روایات و تفاسیر موجود از داستان ابرهه هست که در فیلم به نمایش درآمده است. این بخش از فیلم کاملاً مطابق با روایات پیش رفته است و حتی دیالوگ‌های این صحنه کاملاً اقتباس لفظ به لفظ از روایات بوده و به شیوه‌ی کاملاً وفادار آن را به تصویر کشیده است.

۳- قدرت الهی: با توجه به تفسیر اولین آیه از سوره فیل، که خطاب به پیامبر نازل شد که می فرماید: آیا ندیدی پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟ *أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِیْلِ* (۸). ابرهه با لشگری عظیم به سراغ کعبه رفت و در کتب تاریخی آمده که ابرهه در مسیر خود با لشگریان زیادی مواجه شد تا با او مقابله کنند ولی ابرهه بر همه پیروز گشت ولی در نهایت خداوند با لشگری به ظاهر بسیار کوچک و ناچیز، آنها را درهم کوبید و اینگونه قدرت الهی ظاهر و آشکار سازد.



شکل ۷- صحنه‌ی روبرویی عبدالمطلب و پسرانش با ابرهه و پس گرفتن شتران؛ منبع: خود فیلم.

حتماً بیننده به اطلاعات کافی رسیده باشد ولی با در نظر گرفتن اهمیت ویژه‌ی کعبه و اینکه اصل ماجرای داستان درباره‌ی خانه‌ی خداست، این امر به درستی در شرح مستقیم روایت یا از طریق عناصر میزانشن فیلم پرداخت نشده است. ۲- ایمان، اعتقاد و توکل بر خدا: مطالعات صورت گرفته در کتاب تاریخی و مذهبی و همچنین خود قرآن و بررسی تفسیر سوره فیل (۷) نشان از ایمان مردمان آن دوره به حقانیت و یگانگی پروردگار بوده است.

در انیمیشن فیلساه این موضوع را زمانی که رئیس سپاه ابرهه در حالی که تعداد زیادی از شتران قریش را به غارت گرفته‌اند، با عبدالمطلب، بزرگ طایفه قریش روبرو می‌شود و انتظار خواهش و التماس از سوی عبدالمطلب را دارد ولی وی قاطعانه فقط یک درخواست دارد و آن هم بازپس گیری



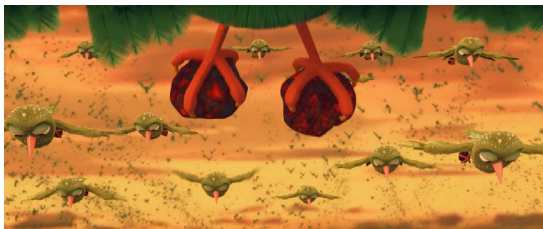
شکل ۶- نمایی از خانه کعبه که فقط در انتهای فیلم نمایش داده شده است؛ منبع: خود فیلم.

پرستوها و هر یک از آنها سه عدد سنگریزه با خود همراه داشت، یکی به منقار و دو تا در پنجه‌ها، تقریباً به اندازه نخود، این سنگریزه‌ها را بر سر لشگریان ابرهه فرو ریختند، و به هر کدام از آنها اصابت می‌کرد هلاک می‌شد.» این موضوع در بسیاری از کتب دیگر نیز همینگونه نقل شده است.

این صحنه در انیمیشن فیلساه در حالی به تصویر کشیده شده است که پرندگان فقط دو سنگریزه در پنجه‌های خود حمل می‌کردند و چیزی به منقار نداشتند. با در نظر گرفتن اینکه اکثریت روایات بر سه سنگ ریزه اشاره داشتند می‌توان گفت این بخش از فیلم کمی در اقتباس محتوایی و شرح مستقیم روایت، کم توجه عمل کرده است.

۵- امید به آینده: در این انیمیشن در صحنه‌هایی روبرو هستیم که بابا برنابا به مریم می‌گوید که صبور باشد زیرا منجی به زودی خواهد آمد و این مصیبت‌ها به پایان خواهد رسید و این امر در انتهای داستان با ولادت پیامبر در همان سال که به عامل الفیل معروف شد تحقق می‌یابد.

در انیمیشن، گاهی برنابا دیالوگ‌هایی را می‌گوید که عیناً در روایات ذکر شده است و این صحنه‌ها بدون هیچ کم و کاستی درونمایه‌های موجود را مطابق کتب مقدس بیان می‌کند؛ البته تا اندازه‌ای که برای مخاطب این امر به وضوح رسیده باشد. به غیر از این اشارات، در طول فیلم با توضیح یا تصویری روبرو نیستیم که درباره‌ی هویت این منجی اشاره ای شود، لذا مخاطب با کمبود عقبه‌ی ذهنی نسبت به این شخصیت مواجه می‌شود.



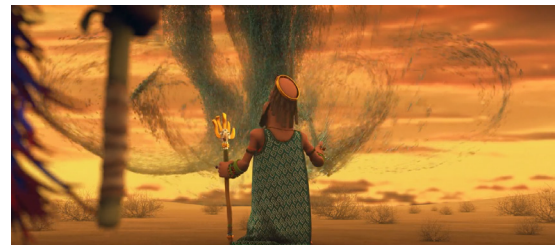
شکل ۹- حمل دو سنگریزه توسط پرندگان؛ منبع: خود فیلم.

در انیمیشن فیلساه این صحنه مطابق با روایات به تصویر کشیده شده است. سیل عظیمی از پرندگان با سنگ ریزه‌هایی که به همراه دارند به سپاه ابرهه حمله می‌کنند. این پلان‌ها در قسمت‌های انتهایی فیلم به خوبی به تصویر کشیده شده و تعداد کثیر پرندگان در تصاویر یعنی از طریق میزانشن به شکلی تاثیرگذار، شرح ماجرا را بیان می‌کند.

۴- معجزه بی نظیر: به سبب اختلافی که این معجزه با سایر معجزات دارد در تفاسیر از آن به عنوان معجزه بی نظیر یاد کرده‌اند، زیرا برخلاف اغلب مجازات‌های نازل شده، وابسته به حوادث طبیعی نبوده و دوم اینکه بواسطه‌ی شخص مقدس صورت نگرفته است. سنگریزه‌هایی که توسط پرندگان حمل می‌شدند نمی‌تواند یک حادثه‌ی طبیعی باشند.

خداوندی که در درون همین سنگریزه‌ها قدرتی آفریده که اندام لشگر ابرهه را همانند کاه درهم کوبیده و خورده شده (مَأْكُول) قرار دهد. فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۹).

اما تفاوتی که اینجا مشهود به نظر می‌رسد اینست که در کتاب تفسیر نمونه (۱۰) این مبحث اینگونه بیان شده: «در این هنگام پرندگانی از سوی دریا فرا رسیدند، همانند



شکل ۸- حمله‌ی پرندگان ابابیل به سپاه ابرهه؛ منبع: خود فیلم.

مخاطب از دیدگان هاجن نیز اشاره کرد که، آن دسته از مخاطبین که از منبع اقتباس آگاهند از دیدن اثر اقتباسی لذت بیشتری می‌برند. داستان ابرهه هرچند کوتاه در قرآن ذکر شده، اما روایات دینی متعدد، با جزئیات مفصل به این داستان پرداخته و آن را تفسیر نموده است.

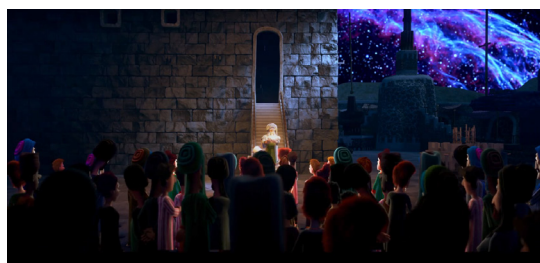
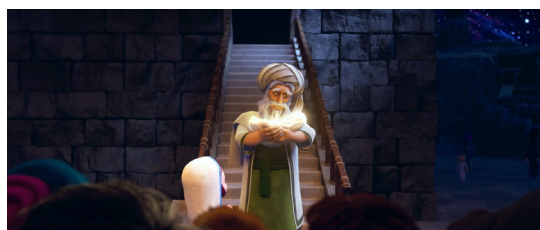
نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل نمونه‌های مطالعاتی می‌توان گفت یکی از کارکردهای مهم اقتباس در آثار هنری سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون، احیای دوباره خلق شده ادبی، تاریخی و مذهبی است که به دلایل متعددی توانایی ایجاد ارتباط با مخاطب را از دست داده‌اند. بادر نظر گرفتن نظریه‌ی هاجن و مطابق باور وی، چیزی که مورد اقتباس قرار می‌گیرد می‌تواند از هر یک از عناصر متن، جهت آفرینش متن دیگری بهره‌بردار، که لحاظ نمودن هر یک از این عناصر برای خلق اثر جدید می‌تواند راهگشا باشد.

از سوی دیگر با بررسی متون کتب مذهبی در نمونه‌های موردی، عزیز مصر و فیلساه می‌توان به این نکته اشاره کرد که آثار مذهبی مخصوصاً زندگی‌نامه‌ی پیامبران که در کتاب‌های مقدس وجود دارد مولفه‌های تربیتی فراوانی درخود نهفته دارد که می‌تواند به شیوه‌ی تصویری و از طریق میزانشن سینما و گاه از طریق شرح مستقیم روایت، به مخاطب ارائه و آموزش داده شود. بنابراین تمامی نکات موجود در زندگی‌نامه‌ی پیامبران می‌تواند به موارد مختلفی از شیوه‌های تربیتی و اخلاقی اشاره داشته باشد که اگر به روشی درست مورد اقتباس قرار گیرند، آثار شاخصی بجای خواهند گذاشت. با مطالعه انیمیشن عزیز مصر و فیلساه به عنوان دو اثر اقتباسی مورد بررسی در این پژوهش به برخی از موضوعات و درونمایه‌های تربیتی در متون اصلی کتب دینی از جمله: امید به آینده، قدرت الهی، امتحان و بلاها، خدا پرستی و مواردی از این دست، اشاره شد که در نتیجه‌ی این بررسی‌ها، این نتیجه حاصل گردید که، سازنده فیلم در اقتباس از این متون به برخی از این مضامین و درونمایه‌ها پایبند و در برخی موارد از آنها پیروی نکرده است.

با توجه به نظریه‌های مطرح شده، اقتباس معمولاً همراه بازآفرینی است؛ یعنی هنرمند با الهام گرفتن از یک اثر هنری یا ادبی دیگر، دست به خلق اثری جدید بزند؛ طوری که در اثر جدید او، تنها رگه‌هایی از اثر اولیه دیده شود. مطابق با نظریه هاجن در مورد اثر اقتباسی که آن را اثر دوم می‌داند نه

با توجه به بررسی تطبیقی مضامین و درونمایه‌های انیمیشن فیلساه با متون کتب مقدس و با اشاره به دسته‌بندی هاجن در مورد اقتباس، باید گفت این انیمیشن نیز یک فرآورده‌ی اقتباسی به حساب می‌آید. فیلساه در عین منحصر به فرد بودن، بخش زیادی از هویت خود را وامدار اثر اصلی و اقتباسی است. شاید در برخی از صحنه‌ها، روند فیلم به کمک متغیرها نتوانسته به درستی آنچه که در روایات ذکر شده را به تصویر بکشد و اقتباس کامل و وفادارانه‌ای صورت گیرد، اما در روند اصلی داستان شاهد اقتباسی مستقیم و وفادارانه هستیم و حتی در برخی دیالوگ‌ها، مطلب دقیقاً منطبق بر روایات بیان شده است. همچنین باید به اهمیت



شکل ۱۰- ولادت پیامبر اکرم (ص)؛ منبع: خود فیلم.

جدول ۵- تطبیق مضامین و درون مایه‌های فیلم انیمیشن فیلساه با متن قرآن و روایات؛ منبع: نگارندگان.

تطابق		صحنه‌ی نمایش داده شده در فیلم
قرآن	روایات	
۷	۷	جواب قاطعانه عبدالمطلب درمقابل درخواست رییس سپاه ابرهه
×	۷	حمله پرنده‌گان به سپاه ابرهه فقط با دو سنگ ریزه در پنجه‌ها
۷	۷	نمایش عظمت و قدرت الهی در صحنه‌ی نابودی سپاه ابرهه توسط پرنده‌گان کوچک
۷	۷	امید به آینده و ظهور منجی با ولادت پیامبر (ص)

که این موضوع مخصوصاً در نمونه‌های مذهبی و دینی می‌تواند عواقب بسیار نامطلوبی در اذهان عمومی ایجاد کند. پس به کارگیری مولفه‌ها و نظریات اقتباس، می‌تواند تاثیر بسزایی در نتیجه‌ی یک اثر خلق شده داشته باشد. هاجن اعتقاد دارد در اقتباس به عنوان فرآورده، در واقع اثری مستقل خلق می‌شود. اثری که در عین منحصر به فرد بودن، بخشی از هویت خود را به عنوان یک فرآورده‌ی اقتباسی، وامدار اثر اصلی می‌داند. بسیاری از انیمیشن‌های اقتباسی با حفظ درون مایه‌ی اصلی از روی نسخه‌ی اولیه می‌توانند به هدفی که دارند برسند. اکثر انیمیشن‌های اقتباسی از کتب مقدس با وفاداری به اصل موضوع مطرح شده، داستان و درونمایه‌های موجود در آن را بازنمایی می‌کنند. البته در اقتباس از کتب مقدس نگرانی از خدشه دار شدن ارزشها همیشه وجود داشته و دارد. اما از سویی می‌تواند اهمیت داستانهای دینی به تنهایی عامل موفقیت یک انیمیشن برای مخاطب باشد.

درجه‌ی دو، می‌توان گفت انیمیشن‌هایی همچون عزیز مصر که برگرفته از داستان کتب مقدس می‌باشد گاهی به شیوه‌ی اقتباس مستقیم و گاهی به شیوه‌ی تفسیر، این داستان را به عنوان اثر دوم به تصویر کشیده است. البته بخشی از این موارد به جهت اختلافات شرح داستان در تورات و انجیل و تفاوت‌هایی است که با هم دارند، اما در اکثر اصول تربیتی، مضمونی و محتوایی هم راستا هستند. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که کارکردهای آموزشی و تربیتی مهمترین کارکرد، و مولفه‌هایی مانند اقتباس غیر مستقیم از متون، مهمترین شاخصه‌ی اقتباس در این آثار باشد.

البته باید این نکته را نیز در نظر داشت گاهی موضوع مورد اقتباس بسیار جذاب و در نوع خود می‌تواند ایده‌ای با معانی و درونمایه‌های متعدد و دارای ارزش باشد، اما خالق اثر اقتباسی از آن، می‌تواند به شیوه‌ای نادرست مسیری را طی کند که، محصول تولید شده نه تنها حاوی آن درونمایه‌ها نباشد، بلکه به اصالت و اصل موضوع نیز خدشه وارد نماید،

پی‌نوشت‌ها

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۱۸ و تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰۹.
۲. خروج ۲: ۱۱.
۳. شعراء: ۵۲.
۴. کتاب سفر خروج، باب ۱۵، فقره ۲۱.
۶. یکی از فرماندهان سپاه نجاشی
۶. پادشاه حبشه.
۷. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۶۲۰ و تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۴۲.
۸. سوره فیل. آیه اول
۹. سوره فیل. آیه ۵
۱۰. نوشته‌ی آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چند تن از نویسندگان حوزه‌ی علمیه قم.

منابع

- قرآن کریم
- طباطبائی، سید محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴.
- کتاب سفر خروج - دومین کتاب از تورات یهودیان.
- پورشبازان، علیرضا؛ عبیدی، مهدی (۱۳۹۲). نگاهی به تاریخچه اقتباس سینمایی از متون کلاسیک ادبیات فارسی. هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه هرمزگان، ۱۳۹۲، صص ۲۹۳-۳۰۳.
- جهازی، ناهید (۱۳۹۰). شیوه‌های تبدیل افسانه به انیمیشن. فصلنامه فرهنگ مردم ایران. شماره ۲۴، بهار، صص ۴۰-۳۳.
- سرکی، هانی (۱۳۹۴). مطالعه و ارائه راهکارهایی برای اقتباس وفادارانه و موفق از امر مقدس بدون شکستن تابوهای آن در انیمیشن. پایان‌نامه
- کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر، دانشکده سینما و تئاتر، تصویر متحرک.
- شهبازی، غلامرضا؛ شهباء، محمد (۱۳۹۱). تاریخ، اقتباس و تصاحب در سینما. نشریه هنر زیبا، هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۱۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۴-۲۷.
- صمدی، صهباء (۱۳۹۱). تاثیر تماشای انیمیشن‌های مذهبی ایرانی بر رفتار دینی نوجوانان مطالعه موردی ۸ مدرسه راهنمایی و دبیرستان منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران. دانشکده صدا و سیما، علوم ارتباطات.
- شمس الهی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۷). از داستان تا فیلم سینمایی انیمیشن، شیوه اقتباس هایتو میازاکی از ادبیات داستانی ژاپن. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی. دوره ۶، ش ۴.
- طحانیان، محمد (۱۳۹۳). بررسی ساختار نماد شناسی موضوع قرآنی رشد (معنوی) برای تبدیل شدن به انیمیشن. پایان نامه کارشناسی ارشد. پیام نور تهران، تصویر متحرک.
- انیمیشن فیلیشه (۱۳۹۶). هادی محمدیان، گروه هنر پویا، ایران.
- The Prince of Egypt, (1998) Brenda Chapman, Steve Hickner, Simon Wells, DreamWorks Animation

مطالعه‌ی بازنمایی «سفره‌ی ایرانی» در سینمای ایران با رویکرد نشانه‌شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۵

بهارک محمودی^۱

چکیده

در این مقاله تلاش شده تا با رویکرد نشانه‌شناسی، شیوه‌ی بازنمایی سفره‌های غذا در سینمای ایران و نسبت آن با پیوندهای اجتماعی، مطالعه و معنای ضمنی آنها تفسیر شود. بدین منظور بر اساس منطق نمونه‌گیری نظری، فیلم‌هایی (از سینمای بعد از انقلاب) انتخاب شده‌اند که در آنها غذا و تهیه‌ی آن از مضامین اصلی و یا گرد هم آمدن شخصیت‌های اصلی به بهانه‌ی صرف غذا از فصل‌های کلیدی در روایت به شمار روند. این مطالعه مطالعه‌ای توصیفی-اکتشافی است که با این فرضیه آغاز شد که تصویر سفره‌های غذا در سینمای ایران به ضرورت فرهنگی موجبات برقراری پیوندهای اجتماعی را ایجاد می‌کند؛ اما در ادامه پیوند ضمنی این پدیده با مفاهیمی چون جنسیت و طبقه نیز آشکار شد؛ به این معنا که تصویر سفره‌های غذا در سینمای ایران، تصویری است که با مناسبات جنسیتی و در واقع زنانگی و همچنین تمایزات طبقاتی پیوندی انکارناپذیر دارد؛ به این معنا که سفره در سینمای ایران، پدیده‌ای زنانه و خانوادگی است که موجب ایجاد پیوندهای قوی اجتماعی می‌شود و محتوا و شیوه‌ی چینش آن طبقه‌ی اجتماعی افراد پیرامون آن را نمایندگی می‌کند. کلیدواژه‌ها: غذا، سفره‌ی ایرانی، سینمای ایران، جنسیت، طبقه، پیوندهای اجتماعی

۱. استادیار روزنامه‌نگاری، دانشکده‌ی علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
baharak.mahmoodi@atu.ac.ir

مقدمه

«غذا» و تمامی متعلقات آن از جمله تهیه‌ی مواد اولیه، پختن، آماده کردن سفره و نهایتاً اشکال مختلف صرف و خوردن آن نه تنها امری ضروری برای ادامه‌ی حیات که به عنوان تصویر و مضمونی آشنا در بسیاری از آثار هنری و البته سینمایی حضور داشته است. به گونه‌ای که حضور غذا و شیوۀ تهیه و مصرف آن در آثار سینمایی می‌تواند نقش مهمی در رویدادهای روایی و کنش‌های تصویری آنها داشته باشد. ضمن اینکه تمامی این مراحل می‌تواند حاوی معانی و تفاسیری باشند که با فرهنگ برخاسته از آن در نسبتی آشکار قرار گیرد. در واقع هدف از نگارش این مقاله توجه به این نکته است که تصویر سینمایی «غذا» در مفهوم گسترده‌ی آن، که از تهیه‌ی مواد اولیه گرفته تا صرف آن را در بر می‌گیرد، حاوی چه دلالت‌های فرهنگی و جامعه‌شناسانه‌ای خواهد بود. تلاش می‌کنم تا نشان دهم در فیلم‌هایی که این معنای گسترده از غذا در آنها نقشی محوری دارد، سینما چگونه می‌تواند فهم ما را از این پدیده‌ی مرکزی در حیات بشری شکل داده و یا دگرگون کند؟

پاسخ به این سؤال میسر نخواهد شد مگر با پذیرش این نکته که هر متن سینمایی همچون سایر متون ادبی و تصویری، به محض تولد خوانش‌پذیر می‌شود؛ متنی که می‌تواند بستری برای پاسخگویی به دغدغه‌ای پژوهشی باشد. در سنتی از جامعه‌شناسی سینما که به آن سرشتی اجتماعی و شانی شناختی می‌بخشد، سینما به عنوان رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که بازنمایی‌کننده‌ی «امر اجتماعی» است (کراکوتر، ۱۳۷۶؛ توماس، ۱۳۸۳؛ بورگت، ۱۹۷۳). البته وقتی از بازنمایی امر اجتماعی سخن به میان می‌آید، «منظورمان این نیست که هر اتفاقی که در فیلم‌ها می‌افتد کپی عین‌به‌عین واقعیت اجتماعی است... منظور قابلیت سینما در تصویر وجهی از واقعیات اجتماعی است که الزاماً صورت عینی به خود نمی‌گیرند. وجوهی همچون آرزوها، امیال، کینه‌ها و ترس‌ها و اموری ذهنی و عاطفی از این دست که سینما واسطه‌ای برای شناخت آن‌ها را فراهم می‌کند» (پاپلی، ۱۳۹۲: ۱۹).

با چنین نگاهی است که می‌توان سینما را میانجی درک پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی قلمداد کرد، نگاهی که به طریقی فلسفی نیز ریشه در اندیشه‌ی هگل دارد، آنجا که معتقد است: «آنچه در هنر اهمیت دارد آن است که هنر

عرصه‌ای برای بیان آگاهی تاریخی یا آگاهی از زمانه‌ای است که از آن سخن می‌گوید» (به نقل از لاجوردی، ۱۳۸۸: ۱۰). چنین اندیشه‌ای در ادبیات سینمایی، این رسانه را عرصه‌ای قلمداد می‌کند که می‌توان از طریق آن به گونه‌ای از شناخت درباره‌ی اجتماع دست یافت: «چیزی که فیلم‌ها بیان می‌کنند، اصول اعتقادی صریحاً بیان شده نیست. آنها انعکاس گرایش‌های روحی و روانی یک جامعه‌اند؛ لایه‌هایی عمیق از تفکر اجتماعی که کم‌وبیش در ضمیر ناخودآگاه هر جامعه‌ای وجود دارد» (کراکوتر، ۱۳۷۶: ۶). از این روست که می‌توان عناصر موجود در تصاویر سینمایی را به اقتضای موضوعات پژوهشی گوناگون، عرصه‌ای برای شناخت آن کل بزرگ‌تر که همان جامعه باشد برشمرد. بدین جهت مطالعه‌ی معنای سفره‌ی غذای به تصویر درآمده در این رسانه به عنوان پدیده‌ای فرهنگی می‌تواند بهانه‌ای باشد برای درک مناسبات اجتماعی و فرهنگی که این تصاویر در پیوند با آنها پدید می‌آیند و اشکالی از آنها را بازنمایی می‌کنند.

در واقع اینجا سفره‌های غذا به تبعیت از نگاه بارت در «امپراطوری نشانه‌ها» (۱۳۸۴) که سعی دارد با نگاهی عمیق به اشیاء، رفتارها و پدیده‌ها همچون دستگاه‌های بازی، ایستگاه راه‌آهن، عروسک‌ها، سینی‌های غذا و... به جامعه‌ی ژاپن (شرق به بیان وسیع‌تر) بنگرد و آن را «به مثابه یک متن قرائت کند» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۵)، سعی این نوشته نیز بر آن است تا با نگاهی عمیق‌تر به سفره‌های غذای به نمایش درآمده در سینمای ایران، در واقع به جامعه‌ی ایران بنگرد و از خلال آن درباره‌ی مناسبات جنسیتی و طبقاتی شکل‌گرفته پیرامون آنها سخن بگوید. از این رو، هدف از نگارش این مقاله آن است که اشکال حضور غذا در سینمای ایران را مطالعه و تفسیر کند.

پیشینه‌ی پژوهش

پیش از پرداختن به بحث نظری مورد مطالعه در نگارش این مقاله، اشاره به مقالات و پژوهش‌هایی که پیش از این در حوزه‌ی موضوع مورد نظر به سرانجام رسیده‌اند، ضروری به نظر می‌رسد؛ پژوهش‌هایی که در دو گروه سینمایی و جامعه‌شناسانه قرار می‌گیرند. هرچند در بخش سینمایی، مقاله و یا پژوهشی که به طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد دیده نشد، اما با پژوهش‌هایی مواجه شدیم که هر